

جستاری در شمار و تاریخ گذاری آیات برائت

جعفر نکونام*

احمد مهدی زاده**

چکیده

آیات برائت عبارت از آیات آغازین سوره توبه است که از سوی امام علی (ع) در ذی حجه سال نهم هجرت بر حاجیان قرائت شد. سؤالاتی که در این تحقیق بدان پرداخته می شود، این است که این آیات دربرگیرنده چند آیه و بر چند واحد نزول مشتمل است و هر واحد نزول از آن، در چه تاریخی نازل شده است. راجع به شمار این آیات اختلاف نظر است؛ اما بررسی های این تحقیق بیست و هشت آیه بودن آن را محتمل تر نشان می دهد. در خصوص تاریخ نزول آیات برائت، نظر مشهور بر این است که در سال نهم، پس از جنگ تبوک نازل شده اند؛ ولی با این فرض، جای گذاری آیات سوره توبه بر خلاف ترتیب طبیعی نزول قرآن دانسته می شود؛ زیرا بخش دوم سوره، قبل از آن و پیرامون حوادث جنگ تبوک نازل شده است. در این نوشتار، علاوه بر نظر مشهور، احتمالاتی که نزول آیات برائت را قبل از جنگ تبوک می دانند، بررسی می شوند و نشان داده می شود که نزول این آیات، طی دو واحد نزول قبل از جنگ تبوک، یعنی مقارن با فتح مکه در ماه رمضان سال هشتم و پس از جنگ حنین در شوال همان سال، بسیار محتمل است؛ در این صورت، آیات سوره توبه به ترتیب طبیعی نزول در کنار هم قرار گرفته اند.

کلیدواژه ها: آیات برائت، تاریخ گذاری، تاریخ نزول آیات برائت، ابلاغ آیات برائت، تعداد آیات برائت.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، jnekoonam@gmail.com

** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، ahmad.mehdizadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

۱. مقدمه و طرح مسئله

سوره توبه یا براءت از واپسین سوره‌هایی است که در مدینه نازل شد. محتوای سوره عمدتاً به دو بخش قابل تقسیم است؛ بخش نخست، آیات ابتدایی سوره است که بر اعلام براءت از مشرکان و فرمان به قتال با آنان، پس از سررسیدن مهلت آنان و ممنوعیت ورود آنان به مسجدالحرام از سال بعد، دلالت دارند و بخش دوم، آیاتی که با محوریت حوادث مربوط به غزوه تبوک نازل شده‌اند. مراد از آیات براءت در این تحقیق، بخش اول این سوره است.

مطابق گزارش‌های تاریخی، اختلافی نیست که بخش اول سوره، در مراسم حج سال نهم از سوی علی بن ابی طالب (ع) به مردم حاضر در آنجا ابلاغ شد (برای نمونه نک: ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۲۸ و واقعی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۷۸) و غزوه تبوک پیش از آن و در فاصله رجب تا رمضان همان سال روی داد (برای نمونه نک: ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ۵۱۶ و ۵۳۷ و ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۲۵).

نخستین پرسشی که مطرح می‌شود، این است که شمار آیات براءت چند است و بر چند واحد نزول مشتمل است؟ چنان که خواهد آمد، با پاسخ به این پرسش، راه تاریخ‌گذاری این آیات هموارتر خواهد شد.

سؤال دیگری که مطرح است، این است که آیا آیات براءت بعد از جنگ تبوک نازل شده یا قبل از آن؟ با فرض این که آیات براءت بلافاصله قبل از ابلاغ به مکیان در حج سال نهم هجرت نازل شده باشد، باید گفت که این آیات بعد از جنگ تبوک نازل شده است؛ زیرا جنگ تبوک در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان سال نهم واقع شد؛ اما اگر فرض بر این باشد که چنین آیات سوره توبه ترتیب طبیعی نزول خود را حفظ کرده و آیات براءت قبل از جنگ تبوک نازل شده باشد، باید گفت که ابلاغ آیات براءت حدود یکسال بعد از نزول آن، صورت گرفته است.

این گمانه که آیات براءت بعد از جنگ تبوک نازل شده است، لازمه‌اش این است که در این سوره، آیات بر خلاف ترتیب نزول جایگذاری شده باشد و چنانچه فرض بر این باشد که آیات در سوره‌های تدریجی النزول به ترتیب طبیعی نزول، جایگذاری می‌شده، باید گفت که نزول آیات براءت، قبل از جنگ تبوک رخ داده است. پس با این فرض، باید بررسی گردد که چه وجهی داشته است که نزول آیات براءت قبل از نزول آیات مربوط به جنگ تبوک صورت گرفته، ولی ابلاغ آنها تا ذی‌حجه سال نهم به تأخیر افتاده است؟

احتمال سومی هم مطرح است و آن این که، آیات برائت قبل از فتح مکه نازل شده باشد. مؤید آن این که در آیات برائت، سخن از نقض عهد مشرکان است و این امر به طور برجسته در سال هشتم و در جریان نقض پیمان حدیبیه توسط قریش در ماجرای یاری کردن قبیله بنی بکر علیه خزاعه به وقوع پیوست که نهایتاً منجر به لشکرکشی پیامبر اکرم (ص) از مدینه برای فتح مکه شد (ابن هشام، بی تا: ۳۸۹/۲-۳۹۰ و ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۰۳). به علاوه، سیاق آیات ۱۲ تا ۱۵ این سوره و برخی عبارات به کار رفته در آنها به گونه‌ای این احتمال را تقویت می‌کنند که گویا این آیات پیش از فتح مکه نازل شده‌اند. برخی روایات تفسیری و آراء مفسران نیز مؤید این گمانه هستند. بنابراین باید بررسی شود که آیا می‌توان چنین نتیجه گرفت که شانزده آیه نخست پیش از فتح مکه نازل شده‌اند؟ به این ترتیب، سه احتمال راجع به زمان نزول آیات برائت و واحدهای نزول آن قابل طرح است:

احتمال اول این است که آیات برائت بر سه واحد نزول مشتمل باشد: واحد اول، عبارت از آیات ۱-۱۶ باشد که قبل از فتح مکه نازل شده و واحد دوم، عبارت از آیات ۱۷-۲۴ باشد که مصادف با فتح مکه (رمضان سال هشتم هجرت) نازل شده است و آیات ۲۵-۲۸ که مصادف با جنگ حنین (شوال همین سال) نازل گردید.

احتمال دوم این است که آیات برائت بر دو واحد نزول مشتمل باشد: واحد اول، عبارت از آیات ۱-۲۴ باشد که مصادف با فتح مکه (رمضان سال هشتم هجرت) نازل شده و آیات ۲۵-۲۸ که مصادف با جنگ حنین (شوال همین سال) نازل گردیده است.

احتمال سوم، این است که آیات برائت، بعد از جنگ تبوک نازل شده باشد که در فاصله ماه‌های رجب و شعبان و رمضان سال نهم واقع شد. این احتمال سوم، منطبق بر نظر مشهور است؛ ولی چنان که آمد، با مبنای موافقت با ترتیب نزول آیات درون سوره‌ها منافات دارد؛ ولی دو احتمال نخست، با مبنای یاد شده سازگاری دارند. در واقع، مسئله اصلی این پژوهش، یافتن راهی برای برطرف نمودن این منافات، به وسیله بررسی رجحان دو احتمال نخست بر نظر مشهور است.

۲. پیشینه

پیشینه این تحقیق در دو بخش قابل ذکر است؛ اول، پیشینه روش تحقیق و دوم، پیشینه تاریخ‌گذاریِ خصوص آیات برائت و تعیین تعداد آن آیات. در بخش روش، باید گفت که

این روش، با مختصاتی که پیشتر آمد، در گذشته سابقه‌ای ندارد و تنها اخیراً بر مبنای کتاب درآمدمی بر تاریخ‌گذاری قرآن (نکونام، جعفر، ۱۳۸۰ش.) مورد توجه قرار گرفته است.

البته، ناگفته نماند که استفاده از روایت سیره و اسباب نزول برای تعیین زمان نزول آیات قرآن پیشینه‌ای طولانی دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از مفسران اسلامی و برخی قرآن‌شناسان غربی، از این ابزارها برای تعیین زمان نزول آیات قرآن بهره گرفته‌اند. نیز، استفاده از رخدادهای معروف و مصرح در آیات، به ویژه در سوره‌های مدنی، الهام بخش بعضی محققان اسلامی و غربی در تعیین تاریخ نزول آیات بوده است. در مورد روایات ترتیب نزول، محققان غربی چندان اعتمادی به آن روایات نداشته‌اند؛ ولی مفسران مسلمانی که از حدود یک قرن پیش، به تفسیر قرآن به ترتیب نزول روی آورده‌اند، مبنای ترتیب منتخب خود را بر این روایات گذاشته‌اند.

خاورشناسانی که از سده نوزدهم میلادی به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته‌اند، عمدتاً سبک و اسلوب سوره‌ها در دوره‌های مختلف دعوت نبوی را ملاک گرفته‌اند و بیشتر آنان، سوره‌های قرآن را در چند گروه زمانی مربوط به مکه و مدینه طبقه‌بندی نموده‌اند. از میان آنان، ویل (Weil) (م. ۱۸۸۹م.) و پیروان روش او، یعنی دانشمندانی چون: نولدکه (Noldeke) (م. ۱۹۳۰م.)، شوالی (Schwally) (م. ۱۹۱۹م.)، رودول (Rodwell) (م. ۱۹۰۰م.)، گریم (Grimme) (م. ۱۹۴۲م.) و بلاشر (Blachere) (م. ۱۹۷۳م.)، بر اساس معیارهایی چون اشارات قرآن به حوادث تاریخ‌دار، سبک و اسلوب سوره‌ها در دوره‌های مختلف رسالت و مضامین سوره‌ها، البته با تفاوت‌هایی در روش، به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته‌اند. مویر (Muir) (م. ۱۹۰۵م.) و بل (Bell) (م. ۱۹۸۲م.) نیز، به دسته‌بندی سوره‌ها در گروه‌های زمانی اقدام کردند؛ ولی نه با معیارهای ویل؛ بلکه مویر با تکیه بر روایات سیره و بل بر اساس روایات اسباب نزول و مکی و مدنی، کار خود را سامان دادند. گذشته از دو محقق اخیر، بیشتر محققان غربی به روایات، اعم از روایات ترتیب نزول، سیره و اسباب نزول، جز در مواردی که با آیات قرآن تأیید شوند، بی‌اعتماد بوده‌اند (نک: نکونام، ۱۳۸۰ش: صص ۱۰-۲۳).

دانشمندان اسلامی، در طول قرن‌ها، در کتاب‌های علوم قرآنی و تفسیری به ذکر تاریخ نزول سوره‌ها و آیات، با بهره‌گیری از روایات ترتیب نزول، سیره، اسباب نزول و مکی و مدنی، پرداخته‌اند؛ تا این که از یک قرن گذشته به این سو، توجه دانشمندان اسلامی به تحقیقات مستقل درباره تاریخ‌گذاری قرآن و تفسیر به ترتیب نزول جلب شد. در این زمینه،

مهمترین کارهای مسلمانان از حدود یکصد سال قبل به این سو، به طور خلاصه از این قرارند:

- ملاحویش آل‌غازی در تفسیر *بیان المعانی* (به ترتیب نزول) به سال ۱۳۵۵ق؛ وی از ترتیب روایی سوره‌ها بهره گرفت و در کنار آن، بعضاً به ذکر روایات سیره و اسباب نزول و مکی و مدنی و ناسخ و منسوخ و نقد و بررسی آنها پرداخت (رک: همان، ۲۵-۲۸).

- محمد عزه دروزه در کتاب *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول* به سال ۱۳۸۰ق. و پس از آن، *سیره الرسول*؛ وی ترتیب روایی را اصل گرفته و تغییراتی در ترتیب بعضی سوره‌ها داده است. تغییرات وی عمدتاً بر اساس برخی روایات ترتیب نزول و سیره و رخدادهای مصرح در سوره‌ها و سبک آنها، بوده است (رک: همان، ۲۸-۳۶).

- مهدی بازرگان در سیر تحول قرآن به سال ۱۳۵۵ش؛ وی روشی ریاضی-آماری برای تاریخ‌گذاری قرآن ابداع کرده که اجمالاً بر اصل افزایش طول متوسط آیات از آغاز تا پایان دوران نزول وحی، استوار است. البته، وی بعضاً از روایات و رخدادهای مصرح در آیات نیز برای اصلاح روش خود، بهره گرفته است (رک: بازرگان، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۱۳-۱۴ و ۱۲۸-۱۳۱).

- جلال‌الدین فارسی در کتاب‌هایی با عنوان *پیامبری و انقلاب، پیامبری و جهاد و پیامبری و حکومت* از سال ۱۳۶۱ش؛ او نیز، ترتیب روایی را اصل گرفته ولی تغییراتی بر مبنای روایات و رخدادهای مصرح در آیات، در ترتیب نزول داده است (رک: نکونام، ۱۳۸۰ش: صص ۳۸-۴۱).

- محمد عابد الجابری در کتاب *فهم القرآن الکریم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول* به سال ۲۰۰۸م؛ وی در این کتاب سیر نزول قرآن را بر سیر تبلیغ پیامبر منطبق نموده است. او نیز در مورد ترتیب نزول سوره‌ها اصل را بر روایات ترتیب نزول قرار داده ولی به آنها اکتفا نکرده و نوعی تصحیح و اجتهاد در این زمینه به کار برده است (رک: جابری، ۲۰۰۸م: جلد ۱، مقدمه).

در بخش تعیین شمار آیات برائت، تعداد آیات ابلاغ شده در موسم حج سال نهم، بر حسب اختلاف روایات، ۱۰ و ۳۰ و ۴۰ آیه نقل شده است (نک: بخش محدوده آیات

برائت) و دانشمندان متقدم به تناسب، همین روایات را در تفاسیر و کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. در میان متأخرین، بلاشر، بازرگان و جابری در مورد تعداد آیات برائت اظهار نظر کرده و آن را ۳۷ آیه، از آغاز سوره دانسته‌اند (نک: بازرگان، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۷۸ و جابری، ۲۰۰۸م: ج ۳، ۳۹۰).

در بخش تاریخ‌گذاری آیات برائت، در منابع تاریخی و تفسیری روایاتی نقل شده که نزول آیات برائت را شوال سال نهم و ابلاغ آن آیات را در روز نهم یا دهم ذی‌حجه همان سال، گزارش کرده‌اند و دانشمندان متقدم به نقل آنها پرداخته‌اند. تنها برخی دانشمندان متقدم، مانند مقاتل بن سلیمان، بر اساس برخی روایات اسباب نزول، نظر به نزول برخی آیات ابتدایی سوره توبه (آیات ۱۲ تا ۱۵)، پیش از فتح مکه در سال هشتم هجرت داده‌اند. از میان متأخران، دروزه در کتاب *سیره الرسول* - بر خلاف تفسیرش - نظری چون مقاتل بن سلیمان، در مورد آیات یاد شده دارد. در بخش‌های آتی مقاله، گزارش این روایات و اقوال خواهد آمد.

از میان خاورشناسان، بلاشر آیات ۱ تا ۳۷ سوره توبه را با عنوان «اعلامیه علیه مشرکان»، نازل شده در سال هشتم هجرت بعد از فتح مکه دانسته و بقیه سوره را به سال نهم تاریخ‌گذاری نموده است (بازرگان، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۷۸). در کار محققان غربی، جز کار بلاشر، چیزی در مورد خصوص آیات برائت یافت نشد. ایشان فهرست‌هایی از ترتیب نزول سوره‌ها ارائه داده‌اند؛ برای مثال: سوره توبه در ترتیب مویر، سوره شماره ۱۱۴، در ترتیب نولدکه ۱۱۳، گریم ۱۱۴ و در ترتیب بلاشر ۱۱۳ است (رامیار، ۱۳۸۷ش: ص ۶۷۱). بازرگان نیز به پیروی از بلاشر، همان تاریخ نزول را برای آیات برائت در نظر گرفته است (بازرگان، ۱۳۸۵ش: همان).

۳. روش تحقیق

تاریخ‌گذاری آیات در این تحقیق، با بهره‌گیری از سه عامل یا ابزار و بر پایه یک مبنای ویژه به انجام رسیده است. عامل نخست عبارت است از تصریح یا اشاره قوی در متن آیات به رخدادی که زمان وقوع آن، در منابع روایی و تاریخی، بدون اختلاف ذکر شده باشد؛ مانند رخداد جنگ حنین که در آیه ۲۵ سوره توبه بدان تصریح شده و زمان وقوع آن شوال سال هشتم هجری بعد از فتح مکه بوده است؛ فلذا، این آیه باید پس از آن غزوه نازل شده باشد؛

نه قبل از آن. این عامل به عنوان یک ابزار قوی و مطمئن در تاریخ‌گذاری آیات مورد توجه قرار می‌گیرد.

عامل دوم عبارت است از استفاده از معیارهای لفظی و محتوایی موجود در آیات، جهت تعیین دسته آیاتی که به هم پیوسته‌اند و لاجرم با هم نازل شده‌اند. در این تحقیق هر یک از این دسته آیات، یک فقره نامیده می‌شود. استفاده از این عامل بر مبنای عرفی بودن زبان قرآن استوار است؛ بر این مبنای آیاتی که با یکدیگر لفظاً یا معنأً پیوند داشته باشند، با هم نازل شده‌اند (رک: نکونام، ۱۳۸۰ش: صص ۵۷-۶۷). با بهره‌گیری از این عامل، چنانچه مشخص شود که تعدادی از آیات، تشکیل دهنده یک فقره هستند و یکی از آیات آن فقره با عاملی مانند عامل نخست تاریخ‌گذاری شود، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که لاجرم تاریخ نزول سراسر آن فقره با تاریخ نزول آن یک آیه یکسان است. برای مثال، چنانکه خواهد آمد، آیات ۱ تا ۱۶ سوره توبه تشکیل دهنده یک فقره هستند؛ بنابراین، چنانچه تاریخ نزول هر یک از آیات این فقره معین شود، این تاریخ برای همه شانزده آیه معتبر خواهد بود. این عامل نیز از درجه اطمینان نسبتاً خوبی، در برآورد محدوده آیات متحدالنزول و ارزیابی زمان نزول برخی آیات و تعیین تعداد واحدهای نزول یک سوره، برخوردار است.

عامل سوم عبارت از بهره‌گیری از روایات سیره و اسباب نزول و روایات ترتیب نزول است. این ابزار هنگامی که به رخداد ویژه‌ای در آیات تصریح یا اشاره نشده باشد، کاربرد بیشتری خواهد داشت؛ نظر به این که در طول تاریخ، محتوای روایات مذکور در بسیاری موارد در معرض ضعف و نقصان و تعارض قرار گرفته‌اند، این عامل تنها به مثابه یک ابزار کمکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تا آنجا که با محتوای آیات و محدوده فقرات تعیین شده و به ویژه، تاریخ رخدادهای مصرح در آیات، متناقض نباشند، برای تاریخ‌گذاری آیات به کار می‌رود.

و اما مبنای ویژه‌ای که این روش بر پایه آن استوار است، مبنای توقیفی بودن ترتیب نزول آیات است. شایان ذکر است که درباره ترتیب آیات درون سوره‌ها سه دیدگاه مطرح است: اول، دیدگاه معروف توقیفی بودن چینش آیات؛ بر اساس این دیدگاه، ترتیب قرار گرفتن آیات درون سوره‌ها با دستور و توقیف رسول خدا(ص) انجام شده که در بسیاری از موارد، مخالف ترتیب نزول آیات بوده و موجب قرارگرفتن آیات مدنی در سوره‌های مکی و آیات مکی در سوره‌های مدنی شده است (نک: سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۲۱۴-۲۲۰). دوم، دیدگاه اجتهادی بودن چینش آیات؛ بر اساس این دیدگاه، ترتیب قرار گرفتن آیات درون

سوره‌ها، بعضاً نه بر اساس دستور پیامبر(ص) که با اجتهاد صحابه صورت گرفته است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۹، ۶۷). دیدگاه سوم، توقیفی بودن ترتیب نزول در چینش آیات درون سوره‌هاست؛ بر اساس این دیدگاه، توقیف رسول خدا به ترتیب نزول آیات تعلق گرفته است؛ به این معنا که چینش آیات درون سوره‌ها به ترتیب طبیعی نزول آنها به انجام رسیده است (نک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۱۲۸؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: صص ۱۴۳-۱۴۴؛ معرفت، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۸۰ و نکونام، ۱۳۷۸ش: ص ۲۲).

در این تحقیق، با فرض قبول دیدگاه سوم، یعنی این که آیات در سوره‌های تدریجی‌النزول طبق ترتیب طبیعی نزول آنها جایگذاری می‌شده، به تاریخ‌گذاری آیات برائت اهتمام شده است. بر اساس این مبنا، چون در سوره توبه، آیات برائت قبل از آیات مربوط به جنگ تبوک قرار دارند، لاجرم قبل از آنها نازل شده‌اند؛ در حالی که بر طبق دیدگاه مشهور توقیفی بودن ترتیب آیات، آیات برائت پس از آیات مربوط به جنگ تبوک نزول یافته‌اند. در عین حال، در این مقاله از دیدگاه مشهور نیز غفلت نگردیده و به بررسی آن نیز پرداخته شده است.

تاریخ‌گذاری آیات بر اساس این مبنا و علاوه بر آن، استفاده از معیارهای لفظی و محتوایی موجود در آیات، جهت تعیین فقرات آیات متحدالنزول، از مختصات این روش بوده و جنبه نوآوری آن به شمار می‌آیند.

۴. محدوده آیات برائت

مطابق بیشتر روایات ترتیب نزول، سوره برائت آخرین سوره‌ای است که نازل گردید (برای نمونه نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ۶۱۲-۶۱۳؛ ابن‌الندیم، ۱۳۵۰ش: ص ۲۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۳۸-۳۹؛ صاحب‌المبانی، ۱۳۷۵ق: ۱۳-۱۶ و نیز برای دیدن جدول مقایسه روایات ترتیب نزول، نک: رامیار، ۱۳۸۷ش: ص ۶۷۱).

با نگاهی به سیاق آیات سوره، چنین دانسته می‌شود که می‌توان سوره را به دو بخش اصلی و هر بخش اصلی را به بخش‌های فرعی تقسیم نمود. نخستین بخش اصلی سوره از آغاز تا آیه ۲۸ را در بر می‌گیرد. این بخش حول محور برائت از مشرکان پیمان‌شکن و امر به جهاد و قتال با آنان و اعلام ممنوعیت ورودشان به مسجدالحرام، از سال بعد، شکل گرفته است.

و اما بخش دوم که از آیه ۲۹ تا انتهای سوره را در بر می‌گیرد، عمدتاً حول محور حوادث غزوه تبوک و بیان منویات منافقان و انتقاد از عملکرد ایشان در آن ایام و توضیح چگونگی معامله پیامبر(ص) و مؤمنان با آنان شکل گرفته است. چنان که از سیاق این بخش از سوره برمی‌آید، این آیات بایستی هم‌زمان با غزوه تبوک، یعنی از رجب تا رمضان سال نهم نازل شده باشند.

در مورد تعداد آیات قرائت شده توسط علی (ع) در مراسم حج، طبری دو قول آورده است: یک قول این که تعداد آن آیات ده آیه بوده و قول دوم این که سی آیه بوده است (طبری، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۶-۷). طبری، شمار این آیات را سی یا چهل آیه از ابتدای سوره دانسته است (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۱۲۳) و رازی از قول مجاهد، تعداد سیزده آیه را نیز آورده است (رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ۵۲۳).

برای تعیین محدوده و تعداد واحدهای نزول، نمی‌توان تنها به روایات اکتفا کرد؛ بلکه ضروری است، آن روایات با ظاهر آیات نیز سازگاری داشته باشد؛ به همین رو، باید معیارهای درون متنی را نیز مد نظر داشت؛ از این رو، در ادامه بر اساس ملاکات لفظی و معنوی موجود در آیات، این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۴ آیات ۱ تا ۱۶

فقره اول از آیات برائت، مشتمل بر ۱۶ آیه است که به لحاظ لفظی و معنایی متصل به هم به نظر می‌آیند؛ چرا که نخستین آیه از این فقره، با مضمون اعلام برائت خدا و رسول(ص) از مشرکان دارای عهد، سرآغاز آیات برائت است. آیه دوم با فاء سببیه آغاز شده و خطاب به مشرکان مذکور در آیه پیشین کرده، چهار ماه به آنان مهلت می‌دهد؛ بنابراین، آیه دوم هم از نظر لفظی و هم معنایی با آیه نخست در ارتباط است. آیه سوم با واو آغاز شده و لذا نمی‌تواند آغاز یک واحد نزول باشد. از سوی دیگر این آیه با آیه پیشین، از نظر معنایی نیز در ارتباط است؛ زیرا برائت از مشرکان را به مردم حاضر در مراسم حج، اعلام می‌نماید. آیه چهارم با حرف استثنا **إِلَّا** آغاز شده و مشرکان دارای عهدی را که بر عهد خود وفادار بوده‌اند، از حکم برائت مستثنی می‌نماید. بنابراین، این آیه نیز از هر دو منظر لفظی و معنایی به آیات قبل پیوسته است. پیوند آیه پنجم نیز به آیات پیشین مشهود است؛ زیرا با فاء سببیه آغاز شده و به قتال با مشرکان پس از پایان ماه‌های حرام، امر می‌کند. آیه ششم با واو آغاز شده و حاکی است که چنانچه یکی از مشرکان برای شنیدن کلام خدا، طلب امان نمود، به

وی امان دهید تا کلام خدا را بشنود؛ لذا این آیه نیز از لحاظ لفظی نمی تواند سرآغاز یک واحد نزول باشد و از نظر معنایی نیز با آیه قبل مرتبط است.

آیه هفتم از نظر محتوایی با آیات قبل پیوند دارد؛ زیرا در صدد توجیه و تعلیل شکستن پیمان و براءت از مشرکان است و مجدداً مشرکانی را که بر سر پیمان خود وفادار مانده بودند، از این براءت مستثنی می نماید.

محتوای آیات هشتم، نهم و دهم در ادامه آیه هفتم است و از نظر لفظی نیز هر سه آیه دارای ضمائری هستند که مرجع آنها مشرکان مذکور در آیه هفتم است. آیه یازدهم، علاوه بر این که با فاء سببیه آغاز شده، حاوی ضمیری است که مرجع آن نیز، مشرکان مذکور در آیه هفتم است. آیه دوازدهم با واو شروع شده و نیز دارای ضمائری مشابه آیات پیشین است.

آیه سیزدهم از نظر محتوایی ارتباط وثیقی با آیه پیشین دارد؛ زیرا پس از امر به قتال با مشرکان پیمان شکن مذکور در آیه دوازدهم، با استفهام توییخی، مؤمنان را به جنگ با مشرکان تحریض می نماید. آیه چهاردهم نیز از نظر معنایی در ادامه آیه قبل است و علاوه بر آن، حاوی ضمائری است که مرجع آنها در آیه پیشین است. آیه پانزدهم با واو شروع شده و ارتباط آن با آیه قبل روشن است.

آیه شانزدهم از نظر لفظی می تواند مستقل باشد، ولی از نظر معنایی، با توجه به اینکه موضوع این است که خداوند مؤمنان را با جهاد امتحان می کند، در ادامه آیات قبل که موضوع شان انگیزاندن مؤمنان برای جنگ با مشرکان پیمان شکن بود، ارزیابی می گردد. علامه طباطبائی این شانزده آیه را با هم تفسیر نموده و ارتباط آنها را با آیات بعد، اندک توصیف کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ۱۹۹).

۲.۴ آیات ۱۷ تا ۲۲

دومین فقره از آیات براءت، آیات ۱۷ تا ۲۲ است. از آیه هفدهم، موضوع سخن عوض می شود. از لحاظ لفظی نیز، این آیه واجد صلاحیت آغاز کلام است. از این آیه تا آیه ۲۲ در صدد بیان این است که تنها مؤمنان شایسته عمارت مسجدالحرام هستند، نه مشرکان و این که سقایت حاجیان و عمارت مسجدالحرام - که تا زمان نزول آیه در کف مشرکان بود - هرگز در ارزش، همسنگ ایمان و جهاد در راه خدا نیست. به نظر می رسد که این آیات تمهیدی باشند برای آیه ۲۸ که ورود مشرکان به مسجدالحرام را از سال بعد به کلی ممنوع

اعلام می‌نماید. ارتباط محتوایی این شش آیه با یکدیگر روشن است و علاوه بر آن، می‌توان به موارد پیوستگی لفظی نیز اشاره کرد؛ من جمله: آمدن دو فعل و یک مصدر از ریشه «ع م ر» در سه آیه ۱۷، ۱۸ و ۱۹؛ مرجع ضمائر موجود در آیه ۲۱ در آیه ۲۰ است و این که عبارت «خالدین فیها ابداء» در آیه ۲۲، از نظر نحوی حال از ضمیر هم در آیه ۲۱ است.

۳.۴ آیات ۲۳ و ۲۴

سومین فقره از آیات براءت، آیات ۲۳ و ۲۴ است. این آیات در صدد بیان این مطلب‌اند که مؤمنان نباید خویشان کافر خود را به دوستی و یاری برگزینند و نیز نباید خویشان و دارایی‌های خود را بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست بدانند. پیوستگی معنایی این دو آیه به یکدیگر روشن است و به منزله آسیب‌شناسی جهاد با کافران که در آیات پیشین مطرح شد، ارزیابی می‌گردند.

۴.۴ آیات ۲۵ تا ۲۷

چهارمین فقره از آیات براءت، آیات ۲۵-۲۷ است. این سه آیه در مورد ذکر یاری خدا نسبت به مؤمنان در جریان جنگ حنین است که در سال هشتم هجرت بعد از فتح مکه رخ داده بود (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۴۳۷). با توجه به این که این آیات در مقام اخبار از یک رویداد تاریخی با زمان معین است، لاجرم باید بعد از آن واقعه نازل شده باشند. این آیات به منزله تشویق و تحریض به جنگ و جهاد، که در آیات بخش فرعی نخست به آن فرمان داده شد، تلقی می‌شوند. پیوستگی محتوایی آیات به هم روشن است و از نظر لفظی نیز آیات ۲۶ و ۲۷ با حرف ثمّ به آیه ۲۵ وابسته شده‌اند.

۵.۴ آیه ۲۸

پنجمین و آخرین فقره از آیات براءت، آیه ۲۸ است. این آیه که در پایان بخش اصلی نخست سوره قرار دارد، در بیان اعلام ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام از سال بعد، و وعده بی نیازسازی مالی مؤمنان از مشرکان است.

مطابق آنچه گذشت، این بخش از سوره به پنج بخش فرعی (فقره) قابل تقسیم است که هریک از آنها در نگاه نخست، صلاحیت آن را دارند که یک واحد نزول قلمداد شوند؛ اما با توجه به نکات زیر، چنین می‌نماید که همه این ۲۸ آیه، می‌توانند یک واحد نزول را تشکیل دهند.

اولاً، این ۲۸ آیه به لحاظ موضوعی متحدند و همگی در زمینه مقابله با مشرکان اند و لذا این احتمال را که بخش‌های پنجگانه یکجا نازل شده باشند، تقویت می‌کند.

ثانیاً، روایاتی که از طبری و طبرسی، در مورد تعداد آیات ابلاغ شده در مراسم حج سال نهم نقل شد، شمار آیات برائت را حدود ۳۰ آیه یاد کرده است. چنانچه این تعداد را دقیق بدانیم، و پایان آیات برائت را آیه ۳۰ در نظر بگیریم، با بررسی آیه ۳۱ چنین ملاحظه می‌شود که در آن ضمائری وجود دارد که مرجع آنها در آیه ۳۰ قرار دارد. لذا آیه ۳۱ را نمی‌توان آغاز کلام و آیه ۳۰ را پایان یک کلام مستقل دانست. بنابراین این احتمال تقویت می‌شود که عدد ۳۰ در روایات مذکور به طور تقریبی ذکر شده و شمار دقیق آیات، همان ۲۸ است.

از سوی دیگر، از آیه ۲۹ به بعد، موضوع سخن به کلی تغییر می‌کند و آیات، درباره جنگ با اهل کتاب و ذکر ردائل آنان است که به منزله درآمدی بر آیات مربوط به غزوه تبوک تلقی می‌شوند. محمد عزه دروزه نیز با استدلالی مشابه، این احتمال را که این بخش ۲۸ آیه باشد، بیشتر می‌داند (نک: دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۴۵).

ثالثاً، در روایاتی چند در منابع تاریخی و تفسیری آمده است که از جمله چیزهایی که توسط علی (ع) در مراسم حج ابلاغ گردید، این بود که مشرکان از سال بعد نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند (برای نمونه: ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۵۴۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۲۸؛ واقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۷۸؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۸۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۵۳ و طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۷). این موضوع دقیقاً محتوای آیه ۲۸ است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که آنچه در آن روز به عنوان آیات برائت ابلاغ گردیده، همان ۲۸ آیه نخست سوره باشد.

گفتنی است که احتمال نزول یکجای ۲۸ آیه برائت، در صورتی است که نزول آیات در سال نهم بوده باشد؛ اما اگر نزول آیات در سال هشتم و چهار ماه قبل از پایان ماه‌های حرام دانسته شود، این ۲۸ آیه، دست کم دو واحد نزول باید باشد: آیات ۱-۲۴، نازل شده قبل از جنگ حنین و آیات ۲۵-۲۸، نازل شده پس از آن.

محمد عابد الجابری، بر اساس روایاتی که تعداد آیات براءت را چهل آیه ذکر کرده‌اند، تعداد این آیات را ۳۷ آیه نخست سوره (در مصحف کنونی) می‌داند (جابری، ۲۰۰۸م: ج ۳، ۳۹۰)، که با توجه به آنچه گذشت، این رأی صحیح به نظر نمی‌رسد.

۵. شاخص‌های تاریخ‌گذاری در آیات براءت

برخی از تعبیر مندرج در آیات براءت که بررسی آنها می‌تواند به تاریخ‌گذاری این آیات مدد رساند، عبارت‌اند از: «الذین عاهدتم من المشرکین»، «أربعة اشهر»، «يوم الحج الاکبر»، «المشرکین»، «الأشهر الحرم»، «أئمة الکفر»، «يوم حنین» و «عامهم هذا».

توضیح این که، پس از تعیین فقرات آیات براءت در بخش پیشین، نتیجه یکی از سه عامل یا ابزار تاریخ‌گذاری -یاد شده در روش تحقیق- به دست آمد. حال، باید با بررسی آیات حاوی عبارات شاخص فوق و استفاده از گزارش‌های تاریخی و تفسیری، دو عامل دیگر نیز به کار گرفته شوند؛ یعنی، اولاً بررسی شود که آیا در این آیات به رخدادی با زمان معین تصریح شده است؟ و ثانیاً روایات سیره و اسباب نزول، تا چه حد می‌توانند به تاریخ‌گذاری این آیات مدد رسانند؟ در ادامه، ذیل هر یک از عبارات شاخص، موارد فوق مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس، در بخش آینده، با استفاده از نتایج این بخش، به ارزیابی سه احتمال مطرح شده در بخش بیان مسئله، در مورد تاریخ‌گذاری آیات براءت خواهیم پرداخت.

۱.۵ الذین عاهدتم من المشرکین

این تعبیر در آیه نخست سوره آمده است. نظر به این که پیامبر(ص) در سال هشتم در پی پیمان شکنی قریش عازم فتح مکه بود، به طور طبیعی تعبیر «الذین عاهدتم من المشرکین» به قریش انصراف پیدا می‌کند. به این ترتیب، طی آیات نخست سوره توبه اظهار شده است، از آنان اعلان براءت کنید و با آنان مقاتله نمایید، مگر آنان که پیمان را نشکستند. پیمان آنان را تا پایان مدتشان پاس دارید. در طی همین آیات نخست، اشاره به پیمانی شده است که در مکه بسته شده و این چیزی جز همان پیمان صلح حدیبیه نبوده است که میان پیامبر(ص)، قریش و قبائل بنی بکر، خزاعه، بنی مدلج و بنی خزیمه بسته شد که قریش و بعض بنی بکر آن پیمان را شکستند؛ اما سه قبیله دیگر آن را پاس داشتند (نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق:

ج ۲، ۱۵۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۵۸-۵۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۰۹؛ نیز نک: واقدی، ۱۳۶۹ش: صص ۴۶۵-۴۶۶ و ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۳۱۸).

از برخی چون قتاده و ابن زید روایت شده که مردم مکه این چنین پیمان صلح حدیبیه را شکستند که قبیله بنی بکر را بر علیه خزاعه یاری نمودند و به همین جهت رسول خدا(ص) پس از فتح مکه چهار ماه بدانها مهلت داد که یکی از دو کار را انجام دهند: یا اسلام را بپذیرند و یا به هر جا که خواهند، بروند؛ اما مردم مکه پیش از انقضای چهار ماه اسلام را پذیرفتند و برخی، قبایلی را که به پیمان حدیبیه درآمدند، عبارت از قبیله‌های بکر بنی خزیمه و بنو مدلج و بنو ضمره و بنو دئل دانسته‌اند، تا روزی که میان رسول خدا(ص) و قریش تعیین شده بود و کسانی که این پیمان را نقض کردند، قریش و بنو دئل بودند که خدا دستور داد، به پیمان خود با آن دسته از مشرکان که آن را شکسته‌اند، پایدار باشید؛ این قول از نظر طبرسی، به صحت نزدیکتر است؛ زیرا این آیات پس از پیمان شکنی قریش و فتح مکه نازل گشته است (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۲۵).

چنان که آورده‌اند، قرارداد صلح حدیبیه ده ساله بود (نک: واقدی، ۱۳۶۹ش: ص ۴۶۵)؛ بنابراین با توجه به این که در زمان فتح مکه از زمان صلح حدیبیه حدود دو سال سپری شده بود، تا پایان مدت قرارداد، هشت سال دیگر باقی مانده بود؛ بنابراین قول کسانی که گفته‌اند در زمان نزول آیات، چهار ماه از مدت پیمان مانده بود و خداوند همان چهار ماه را به ایشان مهلت داد (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۱۲)، موجه به نظر نمی‌رسد.

چنان می‌نماید که برائت و نقض عهد در آیات ۱ و ۲ در مورد مشرکان عهدشکن است؛ نه همه مشرکان؛ زیرا دو استثناء که در آیات ۴ و ۷ آمده است، مشرکان وفادار به عهد را از اینان مستثنی کرده است (دروژه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۴۲-۳۴۳ و نیز نک: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۴۵ و آل غازی، ۱۳۸۲ق: ج ۶، ۴۰۹).

با جمع‌بندی آراء، می‌توان گفت منظور از الذین عاهدتم من المشرکین در این آیات، قبائلی بودند که در حدیبیه با رسول خدا (ص) پیمان بسته بودند. عبارت الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام در آیه هفتم نیز، مؤید آن است که منظور از عهد در این آیات، پیمان حدیبیه است. حال چنانچه نزول آیات در سال هشتم و در ایام فتح دانسته شود، منظور از آن عبارت، قریش و بنی بکر خواهند بود و منظور از الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئا، دیگر قبائل هم پیمان با مشرکان و مسلمانان بوده‌اند.

۲.۵ أربعة اشهر

درباره این که مراد از «أربعة اشهر» چه ماه‌هایی بوده است، چند قول وجود دارد:

یک قول این است که مراد از آن، شوال، ذی قعدة، ذی حجه و محرم است؛ مبنی بر این که آیات برائت در شوال نازل شده باشد (برای نمونه نک: طوسی، بی تا: ج ۵، ۱۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۲۳۹؛ دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۵۱). بر اساس این قول، انسلاخ ماه‌های حرام (نک: آیه ۵)، با انقضای مهلت چهار ماه انطباق پیدا می‌کند.

قول دوم، این است که مراد از آن، از دهم ذی حجه - که اعلان برائت گردید - تا دهم ربیع الثانی باشد (برای نمونه نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۱۵۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۱۲ و سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۰۹)؛ اما این قول، ضعیف به نظر می‌رسد؛ زیرا حرمت قتال در ماه‌های حرام بوده است و حرمت قتال در ماه‌های دیگر وجهی ندارد.

طبق نظر مشهور، سالی که این مهلت چهارماهه داده شده، عبارت از سال نهم هجرت است؛ اما اگر نزول آیات، در سال هشتم و مقارن فتح مکه (رمضان سال هشتم هجرت) دانسته شود، لاجرم، چهار ماه مذکور از اواخر رمضان سال هشتم تا پایان محرم سال بعد خواهد بود؛ بدین ترتیب، قریش و بنی بکر که پیمان حدیبیه را نقض نمودند، به مدت چهارماه یعنی تا پایان ماه‌های حرام مهلت یافتند که یا اسلام بیاورند وگرنه با آنان مقاتله خواهد شد. منتها، مشرکان قریش با فتح مکه اسلام آوردند و مکه بدون هیچگونه خونریزی فتح گردید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۰۳-۱۰۴) و نوبت به مقاتله با آنان نرسید.

۳.۵ يوم الحج الأكبر

درباره معنای «يوم الحج الأكبر» سه قول نقل شده است:

قول اول، این است که مراد از آن روز عرفه است. این قول از پیامبر (ص) و علی (ع) و عمر و سعید بن مسیب و عطا و طاووس و مجاهد نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۹ و رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ۵۲۵).

قول دوم، این است که مراد از آن روز قربانی است. این قول از پیامبر (ص) و علی (ع) و ابن عباس و سعید بن جبیر و ابن زید و نخعی و مجاهد و شعبی و سدی و امام صادق (ع) نقل شده است (همان دو منبع).

قول سوم، آن است که مراد از یوم الحج الاکبر همه ایام حج است. این قول از مجاهد و سفیان نقل شده است؛ اگر چنین باشد، مانند یوم الجمل و یوم صفین خواهد بود که مراد از «یوم» در آنها مدت و زمان است؛ چون هر جنگی از آن جنگ‌ها چند روز ادامه داشته است (همان دو منبع؛ نیز برای هر سه قول، نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: صص ۲۱۸-۲۱۹؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ج ۴، ۱۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۱۳۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۲۸۵؛ ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۵۴۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۲۷؛ واقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۷۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۱۲۲-۱۲۳ و ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۳۸).

این قول سوم، راجح به نظر می‌رسد؛ زیرا چنان که عطاء گفته است، حج اکبر در مقابل حج اصغر است که عمره به تنهایی است.

درباره این که مراد از «اکبر» در این تعبیر چیست، دو قول رسیده است: قول اول، از عطاست گفته است: حج اکبر آن است که در آن وقوف باشد؛ در مقابل حج اصغر که در آن وقوف نیست و آن عبارت از عمره است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: همان). قول دوم، از حسن بصری است که گفته است: وجه تسمیه حج سال نهم هجرت به حج اکبر آن بوده است که در آن، هم مشرکان و هم مسلمانان حج گذاشتند. حال آن که بعد از آن هیچ مشرکی حج نگذاشت (همان)؛ اما قول حسن بصری با ظاهر آیات سازگاری ندارد؛ چون ظاهر آیات چنان نشان می‌دهد که نزول این آیات قبل از ذی‌حجه واقع شده و هنوز حجاجی برگزار نشده بود تا آن به سبب حج گزاردن مسلمانان و مشرکان با هم، «حج اکبر» نامیده بشود.

اما راجع به این که آن سالی که طی آیات برائت اظهار شده است، در یوم الحج الاکبر اعلان برائت بشود، کدام سال بوده است، نظر مشهور آن است که آن، سال نهم هجرت بوده است. منتها اگر نزول آیات برائت در سال هشتم دانسته شود، باید گفت که در این آیات فقط گفته شده، اعلان برائت در روز حج اکبر باشد و این اگر چه به سال هشتم هجرت منصرف است، اما آن، در این سال اتفاق نیافتاد. شاید به این جهت که پیامبر(ص) بعد از فتح مکه تا ایام حج در آنجا نماند و در ذی‌قعدة به مدینه بازگشت؛ به همین رو، این امر تا ذی‌حجه سال نهم به تعویق افتاد و اعلان برائت از سوی امام علی(ع) در این سال اتفاق افتاد.

۴.۵ الأشهر الحرم

درباره این که مراد از «الأشهر الحرم» چه ماه‌هایی هستند، اختلاف نظر است: قول اول، این است که مراد همان ماه‌های حرام معروف یعنی ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم و نیز رجب است که از آن سه ماه جداست (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۵۶ و طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۱۲).

قول دوم، این است که مراد از آن، همان چهار ماهی است که طی‌آیه، قتال در آن حرام دانسته شده است و به مشرکان مهلت داده شده است که در آنها با امنیت سفر کنند (همان دو منبع و نیز نک: رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ۵۲۸ و آل‌غازی، ۱۳۸۲ق: ج ۶، ۴۰۷).

منتها قول اول، راجح به نظر می‌رسد؛ زیرا با فرض این که آیات برائت در شوال و به عبارت دقیق‌تر در اواسط رمضان نازل شده باشد، از این ماه تا پایان ماه‌های حرام که آخر محرم باشد، چهار ماه می‌شود و بر همان چهار ماهی که به مشرکان مهلت داده شده است، انطباق می‌یابد. طبق رسم عرب هم، قتال در ماه‌های حرام ممنوع بوده است و گرنه تعیین چهارماه خصوصیتی ندارد. علامه طباطبائی نیز با همین نظر همراه است. او مراد از «الأشهر الحرم» را بر همان «اربعه اشهر» انطباق می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۹، ۲۰۳). محمد عزه دروزه نیز بر همین نظر است (دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۵۱).

به هر حال، به نظر می‌رسد منظور از الأشهر الحرم در آیه پنجم، همان ماه‌های حرام: ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم است، که آخر محرم به پایان می‌رسید. در این صورت، چنانچه نزول آیات را در سال هشتم بدانیم، باید چنین تلقی کنیم که منظور از پایان ماه‌های حرام، آخر محرم سال نهم بوده است؛ یعنی قرار بر این بوده که مشرکان تا پایان محرم سال نهم مهلت یابند. منتها، ابلاغ آیات در سال هشتم به وقوع نپیوست و تا سال بعد به تعویق افتاد.

۵.۵ ائمة الكفر

این عبارت در آیه دوازدهم آمده است. در آیات پیش از آن، دلایل استحقاق مشرکان برای برائت و قتال بیان شده است و در این آیه به مؤمنان امر می‌کند که اگر مشرکان پیمان‌شکنی کردند و زبان به طعن در دین‌تان گشودند با پیشوایان کفر بجنگید تا بس کنند.

به عقیده مقاتل، آیات ۱۲ تا ۱۵ پیش از فتح مکه (۲۰ رمضان سال هشتم) و در جریان عهدشکنی مشرکان مکه در یاری بنی بکر علیه خزاعه - که مطابق عهدنامه حدیبیه هم پیمان رسول خدا (ص) بودند - و در پی آن، استمداد خزاعه از رسول خدا (ص)، نازل شده و منظور از پیشوایان کفر، کفار قریش: ابوسفیان بن حرب و حارث بن هشام و سهیل بن عمرو و عکرمه بن ابی جهل و غیر آنان اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۱۵۹-۱۶۱ و نیز نک: طوسی، بی تا: ج ۵، ۱۸۳).

طبرسی از ابن عباس و قتاده نقل می کند که منظور، همان رؤسا و بزرگان قریش، مانند: حارث بن هشام و ابوسفیان بن حرب و عکرمه بن ابی جهل و سایر رؤسای قریش هستند که پیمان شکنی نمودند (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ج ۱۱، ۳۰). سیوطی نیز، مانند این را از قتاده نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ۲۱۴).

محمد عزه دروزه بر آن است که سیاق این آیات گویای آن است که بر خلاف آیات نخستین سوره، پیش از فتح مکه نازل شده اند (دروزه، بی تا: ج ۲، ۳۰۳)؛ ولی همو در تفسیرش، ذیل آیات ۱۲ و ۱۳ آورده که در روایاتی چند آمده که منظور از این آیات قریش است؛ در حالی که پیوند این آیات به ماقبلش قوی است و به احتمال زیاد با آنها یا پس از آنها نازل شده؛ نه قبل از آنها و پیش از فتح مکه؛ بنابراین، ممکن است چنین بوده باشد که برخی از قبایل بنی بکر که تا روز نزول آیات به پیمان حدیبیه وفادار بودند و آیه ۷ در استثناء آنان از برائت نازل شد، عهدشکنی و خیانت از ایشان ظاهر شده باشد و درست است که اوصاف موجود در آیه در وهله نخست مناسب قریش است، ولی چون آن قبایل با قریش هم پیمان بودند، این اوصاف به آنان نیز سرایت کرده است. لذا به نظر وی در تفسیرش، عبارت ائمه الکفر می تواند وصف همه مشرکان باشد؛ نه عده ای خاص از رهبران ایشان (همو، ۱۳۸۳ق، ج ۹، ۳۶۹-۳۷۲).

علامه طباطبایی نیز پس از نقل روایاتی که لازمه آنها، نزول این آیات پیش از فتح مکه است، ضمن نقد روایات، چنین نظر می دهد که این آیات نمی توانند پیش از آیات قبل از خود نازل شده باشند؛ زیرا «اولاً سیاق آیات -چنان که بسیار روشن است- طوری نیست که با نازل شدن با آیات قبلش و متصل بودن با آنها نسازد و ثانیاً جملات نَكْتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُؤا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ که در آیه ۱۳ آمده است، هر چند به صفاتی اشاره دارد که مختص به قریش است، لیکن ممکن هم هست، اشاره به هم سوگندان قریش و هم جواران ایشان که بعد از فتح مکه هم مسلمان نشدند بوده باشد، و چون متصل و متحد

با قریش بودند، به اوصافی که قریش بالاصالَه متصف بودند، موصوف شوند» (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۹، ۲۴۳-۲۴۵).

البته، اگر نزول آیات در سال هشتم و پس از فتح مکه دانسته شود، عبارت «أئمة الکفر» می‌تواند به سران قریش انصراف یابد؛ زیرا بر اساس برخی روایات، چنان‌که پیشتر آمد، پس از فتح مکه، قریش چهار ماه مهلت یافتند که ایمان بیاورند؛ در غیر این صورت جنگ میان آنان و مسلمانان حکم خواهد کرد.

۶.۵ یوم حنین

این عبارت در آیه ۲۵ آمده است. چنان‌که پیشتر بیان شد، آیات ۲۵ تا ۲۷ در ذکر یاری خدا نسبت به مؤمنان در جریان جنگ حنین است. چنان‌که گذشت، این جنگ در دهم شوال سال هشتم، حدود یک ماه پس از فتح مکه رخ داد. چنین به نظر می‌رسد که این آیه به همراه آیات بعدی‌اش با فاصله زمانی نسبت به آیات قبل نازل شده است؛ این آیات بعد از جنگ حنین، در شوال سال هشتم و آیات قبل از آن، در فاصله حرکت پیامبر از مدینه (دهم یا سیزدهم رمضان سال هشتم) تا فتح مکه (بیستم رمضان همان سال)، نازل شده است.

۷.۵ عامهم هذا

این عبارت در آیه ۲۸ آمده است. آیه حاوی اعلام ممنوعیت ورود مشرکان به مسجد الحرام از سال بعد است. چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، اختلافی نیست که یکی از چیزهایی که در اعلام بَرَاءت از مشرکان در موسم حج سال نهم به آنان ابلاغ شد، این بود که از سال بعد، نباید کسی از مشرکان به مسجد الحرام نزدیک شود.

مشهور این است که مراد از «عامهم هذا» سال نهم هجرت است (نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۱۶۵-۱۶۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۲۶؛ دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۹۲ و جابری، ۲۰۰۸م: ج ۳، ۳۹۰). طبق این نظر، طی این آیه در ایام حج سال نهم اعلان گردید که مشرکان از سال بعد حق ورود به مکه و مسجد الحرام را ندارند؛ ولی، چنانچه نزول آیات قبل از ایام حج سال هشتم دانسته شود، مراد از عبارت «عامهم هذا» سال هشتم خواهد بود؛ یعنی طی این آیه اظهار شده است، مشرکان از سال نهم حق ورود به مکه و مسجد الحرام را نخواهند داشت؛ اما چنین اعلانی هرگز در ایام حج سال هشتم

اتفاق نیافتند؛ بنابراین با فرض این که این آیه در قبل از ایام حج سال هشتم نازل شده باشد، باید گفت که اعلان این آیات در ایام حج یک سال به تعویق افتاد و در ایام حج سال نهم از سوی امام علی(ع) اعلان گردید.

۶. برآورد تاریخ نزول آیات براءت

بنا بر آنچه آمد، سه گمانه درباره زمان نزول آیات براءت قابل طرح است که اینک به ارزیابی آنها پرداخته می شود.

۱.۶ گمانه نزول پیش از فتح مکه سال هشتم

نزول آیات براءت یا بخشی از آن آیات، پیش از فتح مکه و قبل از آن که پیامبر(ص) از مدینه عازم فتح مکه شده باشد، بسیار بعید به نظر می رسد؛ زیرا در منابع تاریخی و روایی چنین آمده است که تدارک لشکر توسط رسول خدا (ص) در مدینه و حرکت به سمت مکه برای فتح آن، کاملاً مخفیانه و با استفاده از اصل غافلگیری به انجام رسیده است و حتی ایشان برای انحراف اذهان دشمن، سریه‌ای به یکی از نواحی گسیل نمودند (برای نمونه نک: ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۳۹۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۰۲ و واقعی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۸۰-۸۰۰). بنا بر این واقعیت تاریخی، اعلام براءت از مشرکان عهدشکن و دادن چهار ماه مهلت به آنان، که آیات براءت حاوی آن است، نمی توانسته پیش از فتح مکه و قبل از خروج پیامبر(ص) از مدینه به سوی مکه صورت گرفته باشد.

آشکار است که اساساً دادن مهلت برای آن است که طرف مقابل غافلگیر نشود؛ یعنی فرصت کافی داشته باشد که یا تسلیم شود و یا به گوشه‌ای بگریزد و یا خود را برای جنگ آماده کند؛ لذا نمی توان گفت که آیات براءت قبل از فتح مکه نازل شده باشد. از سوی دیگر، اگر قبل از فتح مکه به قریش مهلت داده شده بود، همه می دانستند که لشکرکشی به سمت مکه خواهد بود؛ در حالی که منابع تاریخی اتفاق دارند که تا لحظات آخر هیچ کس نمی دانست که مقصد مکه است.

محمد عزه دروزه نیز بر آن است که نزول این آیات، باید پس از فتح مکه بوده باشد؛ به دلیل آن که در آنها سخن از اعلان در مراسم حج است و این مستلزم تسلط مسلمانان بر

مکه و مسجدالحرام است و این امر جز پس از فتح مکه محقق نگردید (دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۴۲-۳۴۳).

۲.۶ گمانه نزول پس از فتح مکه سال هشتم

به نظر می‌رسد، منظور از پیمانی که نزدیک مسجد الحرام بسته شده و در آیه هفتم بدان اشاره شده، همان پیمان حدیبیه است. قبایلی چون بنو بکر و بنو مدلج، هم پیمان قریش شدند و قبایلی چون خزاعه هم پیمان مسلمانان گشتند. در سال هشتم و پیش از فتح مکه، قریش و بنی بکر پیمان مذکور را شکستند و این امر به فتح مکه منجر شد؛ ولی پیمان مذکور در مورد قبایل دیگر همچنان به قوت خود باقی بود. چنان که در منابع تاریخی آمده است، این غزوه بدون جنگ و خونریزی جدی، به انجام رسید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۰۳-۱۰۴).

چنان می‌نماید که آیات ۱-۲۴ در ماه رمضان سال هشتم هجرت مصادف با فتح مکه (بیستم رمضان سال هشتم) نازل شده است. چهار ماهی که طی آیات براءت به مشرکان مهلت داده شده، عبارت از شوال، ذی قعدة، ذی حجه سال هشتم و محرم سال نهم هجرت بوده است. طی این آیات افزوده شده است که پس از ماه‌های حرام یعنی ذی قعدة و ذی حجه سال هشتم و محرم سال نهم با مشرکان ناقض پیمان حدیبیه قتال کنید.

یک ماه بعد، یعنی بعد از جنگ حنین که در دهم شوال سال هشتم به وقوع پیوست، آیات ۲۵-۲۸ نازل گردید. طی این آیات اظهار شده است که بعد از امسال، یعنی سال هشتم هجرت مشرکان حق ندارند، به مسجد الحرام نزدیک شوند. چنان که آورده‌اند، پس از جنگ حنین، رسول خدا(ص) از همان «جعرانه» محرم شد و برای انجام عمره به مکه آمد و پس از اتمام اعمال عمره، عتاب بن اسید را که جوانی خردمند و بردبار بود به حکومت مکه منصوب فرمود و معاذ بن جبل را نیز در مکه گذارد تا به مردم قرآن و احکام دین بیاموزد و اواخر ماه ذی قعدة به مدینه بازگشت (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۵۰۰)؛ لذا رسول خدا(ص) در روز حج اکبر در مکه حضور نداشت و ظاهراً شرایط مکه برای اعلان براءت در سال هشتم مهیا نبود؛ لذا آن را به سال دیگر یعنی سال نهم موكول کرد و حضرت علی(ع) را به جای خود فرستاد تا در ذی حجه سال نهم آیات براءت را در مکه قرائت کند. سیاق آیات نیز با این گمانه هماهنگ است؛ یا دست کم، منافاتی ندارد.

با توجه به این که جنگ حنین در دهم شوال سال هشتم هجرت واقع شد، آیات ۲۵-۲۸ که در آن امداد الهی در جنگ حنین یاد شده است، باید بعد از آن نازل شده باشد. مراد از «عامهم هذا» نیز همین سال هشتم باید باشد. می‌توان گفت، اگرچه آیات برائت در ماه‌های قبل از ذی حجه سال هشتم هجرت نازل شده، اما نظر به این که پیامبر در ذی قعدة آن سال به مدینه بازگشت و در ذی حجه آن سال در مکه نمانده بود و هنوز مردم آماده اعلان برائت نبودند، اعلان برائت به ذی حجه سال نهم موکول شد که از سوی امام علی(ع) انجام گردید. نظر به این که این نظریه با ظاهر آیات تطابق دارد و نیز با نظریه موافق نزول بودن ترتیب آیات سازگار است، می‌تواند بیانگر زمان نزول آیات برائت باشد.

۳.۶ گمانه نزول پیش از ابلاغ در سال نهم

ابن هشام آورده است که در سال نهم، چون آیات برائت نازل گردید، رسول خدا(ص)، علی(ع) را فراخواند و آیات را به او داد تا به مکه ببرد و به مردم ابلاغ کند؛ در حالی که پیش از آن، ابوبکر را با عده‌ای از مسلمانان، برای انجام مراسم حج، به مکه فرستاده بود (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۵۴۵-۵۴۶). این داستان بسیار مشهور است و می‌توان با صرف نظر از جزئیات، در کلیات آن ادعای تواتر معنوی نمود؛ چنان که طبرسی آن را مورد اجماع مفسران و ناقلان اخبار می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۶ و نیز نک: واقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۷۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۱۲۷-۱۲۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۱۲۲-۱۲۳). لازمه این روایات، به ویژه روایت ابن هشام، که در آن به نزول آیات برائت پس از حرکت کاروان حج مسلمین تصریح دارد، این است که نزول آیات برائت پس از حرکت کاروان مسلمانان از مدینه به سمت مکه، برای برگزاری حج اتفاق افتاده باشد و این زمان باید پس از ماه رمضان (پایان غزوه تبوک) و در ماه شوال یا ذی القعدة سال نهم بوده باشد؛ چنان که، عده‌ای از مفسران، نزول این آیات را در شوال سال نهم می‌دانند (نک: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ۴۳؛ طوسی، بی تا: ج ۵، ۱۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۲۳۹ و دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۳۵۱).

چنان می‌نماید که مفسران از ظاهر پاره‌ای از آیات برائت غفلت کرده‌اند که طی آنها مسلمانان به قتال با مشرکان قریش برانگیخته شدند و اظهار شده است، چرا با کسانی که پیامبر(ص) را از مکه اخراج کردند و پیمان حدیبیه را شکستند، مقاتله نمی‌کنید. گویا آنان چنان اندیشیده‌اند که وقتی آیات برائت در ذی حجه سال نهم اعلان شده است، طبیعی

است که در فاصله اندکی پیش از آن نازل شده باشد؛ به همین رو، نتیجه گرفته‌اند که زمان نزول آیات براءت، پس از غزوه تبوک و در فاصله ماه‌های شوال تا ذی‌القعدة سال نهم هجرت بوده باشد. منتها چنان که آمد، این نظر با ظاهر آیات براءت که طی آنها امر به قتال با مشرکان قریش شده است، سازگاری ندارد؛ به علاوه، عدم رعایت ترتیب طبیعی نزول در چینش آیات نیز غیرموجه است؛ زیرا وجهی ندارد، وقتی آیات بخش‌بخش اخیر سوره توبه درباره جنگ تبوک است و آنها در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان سال نهم نازل شده‌اند، آیات آغازین این سوره، بعد از آیات مربوط به جنگ تبوک جایگذاری شده باشد. از این که آیات براءت قبل از آیات جنگ تبوک قرار دارد، دانسته می‌شود که آیات براءت قبل از جنگ تبوک نازل گردیده است. آیت‌الله معرفت می‌گوید: «شایسته است که از اصالت سیاق در آیات غافل نشویم؛ زیرا که آن به همان صورت نخستین خود حفظ شده است؛ به این معنا که اساساً ترتیب آیات، همان ترتیب نزول است؛ مگر هنگامی که خلاف آن به دلیلی ثابت شود؛ گرچه این گونه موارد نادر است» (معرفت، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۸۰). هیچ دلیل معتبری هم وجود ندارد که ثابت کند، آیات براءت بر خلاف ترتیب نزولش جایگذاری شده است.

۷. نتیجه‌گیری

۱. می‌توان گفت که ۲۸ آیه ابتدائی سوره، همان آیاتی هستند که در موسم حج سال نهم هجرت توسط علی (ع) ابلاغ گردید. در مورد تعداد واحدهای نزول در این آیات، نمی‌توان برآورد دقیقی داشت؛ ولی، چنانچه نزول آیات را مقارن با فتح مکه بدانیم، دست کم دو واحد نزول را می‌توان برای آن برشمرد: اول، آیات ۱ تا ۲۴ نازل شده مقارن فتح مکه در ماه رمضان، و دوم، آیات ۲۴ تا ۲۸ نازل شده پس از جنگ حنین در شوال یا ذی‌القعدة آن سال؛ اما آنان که نزول آیات براءت را در سال نهم دانسته‌اند، گویا همه ۲۸ آیه را در یک واحد نزول قلمداد کرده‌اند.

۲. منظور از عهد در آیات براءت، پیمان صلح حدیبیه است که میان رسول خدا (ص) و مشرکان قریش و هم‌پیمانان آنها بسته شد. زمان نزول آیات براءت، نمی‌تواند پیش از فتح مکه و قبل از خروج از مدینه بوده باشد؛ زیرا، آورده‌اند که خروج از مدینه برای فتح مکه به طور پنهانی و غافلگیرانه بوده است؛ لذا آیات براءت که طی آنها امر به قتال با قریش به سبب پیمان‌شکنی شده است، نمی‌تواند پیش از آن نازل شده باشد.

۳. نظر مشهور بر این است که نزول آیات براءت اندکی قبل از ابلاغ، در شوال سال نهم بوده است؛ ولی این نظر با ظاهر پاره‌ای از آیات براءت که طی آنها امر به قتال با مشرکان پیمان شکن شده است و نیز مبنای ترتیب طبیعی نزول آیات منافات دارد.

نهایتاً می‌توان گفت: با فرض این که چینش آیات در سوره‌ها بر خلاف نزول غیر موجه باشد و فاصله طولانی بین نزول آیات براءت و ابلاغ آنها توجیه‌پذیر دانسته شود، می‌توان نزول آیات براءت را در سال هشتم و ابلاغ آن را در ذی حجه سال نهم تاریخ‌گذاری کرد. در این صورت، آیات براءت دست‌کم مشتمل بر دو واحد نزول است که واحد اول شامل آیات ۱-۲۴ در رمضان سال هشتم و مقارن فتح مکه (بیستم رمضان همین سال) و واحد دوم، شامل آیات ۲۵-۲۸ در شوال همین سال بعد از جنگ حنین (دهم شوال سال هشتم) نازل شده است و آنگاه ابلاغ آن در دهم ذی حجه سال نهم اتفاق افتاده است.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش: *النهاية في غريب الحديث والأثر*، محقق/مصحح: طناحی، محمود محمد/زاوی، طاهر احمد، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن سعد، محمد الهاشمی البصری، ۱۴۱۰ق: *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر الدمشقی، ۱۴۰۷ق: *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق: *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۵۰ش: *الفهرست للندیم*، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن هشام، بی‌تا: *السيرة النبوية*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة.
- آل غازی، سید عبدالقادر ملاحویش، ۱۳۸۲ق: *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق: *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۸۵ش: *سیر تحول قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جابری، محمد عابد، ۲۰۰۸م: *فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول*، بیروت، مرکز دراسات الوحده العربیة.
- دروزة، محمد عزة، ۱۳۸۳ق: *التفسیر الحديث ترتیب السور حسب ترتیب النزول*، قاهره، دار إحياء الکتب العربیة.

بی تا: سیرة الرسول صور مقتبسة من القرآن الکریم، صیدا-بیروت، منشورات المكتبة العصرية.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق: التفسیر الکبیر (مفاتیح العیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق: مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- رامیار، محمود، ۱۳۸۷ش: تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۶ق: الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید المندوب، لبنان، دارالفکر.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق: الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صاحب المبانی، ۱۳۷۵ق: مقدمة المبانی (مقدمتان فی علوم القرآن)، تصحیح آرثور جفری، مصر، مكتبة الخانجي.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق: المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش: ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، مترجمان، ۱۳۶۰ش: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق: تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق: جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ش: مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا: التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۱۳ق: حقائق هامة حول القرآن الکریم، بیروت، دار الصفة.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش: تفسیر القمی، قم، دار الكتاب.
- قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ق: التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نکونام، جعفر، ۱۳۸۰ش: درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما.
- نکونام، جعفر، پاییز ۱۳۷۸ش: بررسی جدیدترین نظریه در ترتیب نزول آیات، پژوهش های فلسفی - کلامی، شماره ۱، ۲۰-۳۵.
- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق: کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

۱۰۶ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹ش: مغازی تاریخ جنگهای پیامبر(ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا: تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر.

